



قدرت نرم در سیره رضوی

دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۸ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵

ناصر جمال‌زاده^۱، حامد کیانی مجاهد^۲، محمد حکیمی^۳

چکیده

«قدرت نرم» کلیدواژه‌های اساسی در واژگان علوم سیاسی معاصر است که کاربست و مفهوم آن سابقه‌ای طولانی دارد و در سیره معصومان و بزرگان دین مبین اسلام به کرات نمونه‌های توجه و کاربست آن مشاهده می‌شود. در این میان، سیره فردی و حکومتی حضرت امام علی بن موسی‌الرضا (علیه السلام) مشحون از مواردی است که عنایت ویژه ایشان به این مفهوم سرنوشت‌ساز را چه در دوران پیش از ولایتعهدی و چه پس از آن نشان می‌دهد. مقاله حاضر تلاشی در راستای تبیین اصول، ابزارها و نمونه‌های کاربست قدرت نرم در سیره امام رضا (علیه السلام) است که کوشیده جامعیت این مفهوم در قول و فعل این امام همام (علیه السلام) را درخور استعداد خود به تصویر بکشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توحید، امامت، امامت‌درامتداد نبوت و عدالت، اصول بنیادین قدرت نرم رضوی را شکل می‌دهد و تقیه، مناظره و معجزه در زمره مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده حضرت در حوزه اعمال قدرت نرم است. همچنین، بر مبنای این اصول و ابزارها و در چارچوب نقشه راه ارائه‌شده، می‌توان کاربست قدرت نرم رضوی در قبال شیعیان امامیه، علمای سایر ادیان، غالیان و حکومت مأمون عباسی به‌عنوان نمونه‌هایی گویا برای تشریح منظومه قدرت نرم رضوی را تبیین کرد و از مجرای واکاوی آن‌ها جایگاه والای بهره‌گیری از قدرت نرم از منظر امام رضا (علیه السلام) را بر مبنای شواهد تاریخی ضمن استفاده از روش توصیفی - تحلیلی نشان داد؛ کاربستی که خود از گستردگی مبارزه نرم حضرت رضا (علیه السلام) با دستگاه خلافت حکایت دارد.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، امام رضا (علیه السلام)، سیره رضوی، ولایتعهدی، مأمون عباسی.

۱. دانشیار گروه مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) (نویسنده مسئول): jamalzadeh@yahoo.com

۲. دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) : mballagh@gmail.com

۳. دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) : mohammadhakimi@live.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در دهه‌های اخیر در ادبیات علوم سیاسی بدان اقبال شده است، مفهوم «قدرت نرم» است. مفهومی که ماهیت اقدام‌های دولت‌ها بر مبنای میزان کاربست این نوع از قدرت در منظومه سیاست‌ورزی آن‌ها معین می‌شود و کارایی الگوی رفتار سیاسی این جوامع در گرو بهره‌گیری مطلوب از آن است. رهیافتی که بدان در عرصه بین‌الملل غالباً از دیدگاه گفتمان عرفی‌گرا در حوزه قدرت که مبتنی بر نگاه سکولار است، نگریده می‌شود. در نقطه مقابل این دیدگاه، بهره‌گیری از قدرت نرم در چارچوب گفتمان شریعت‌مدار قرار می‌گیرد که بر اساس تبیین مقوله قدرت - اعم از سخت و نرم - بر اساس آموزه‌های یک شریعت آسمانی است. در این گفتمان، تلاش می‌شود توصیف و تجویز قدرت مبتنی بر معارف دینی صورت گیرد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵) و بدین خاطر است که این رویکرد مناسب‌ترین محمل برای مطالعات قدرت‌شناسانه در سیره بزرگان دینی قلمداد می‌شود. با این وصف، مقاله حاضر به دنبال تبیین قدرت نرم در سیره حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است؛ چراکه از منظر جایگاه امامتی - حکومتی ایشان، شیوه اعمال قدرت نرم توسط امام (علیه السلام) می‌تواند الگوی مناسبی از کاربست قدرت نرم باشد. در واقع، سؤال اصلی مقاله حاضر عبارت است از اینکه مفهوم قدرت نرم واجد چه اصول، ابزارها و کاربستی در سیره امام رضا (علیه السلام) است؟ در راستای پاسخ به این پرسش، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی، نخست پیشینه، ادبیات مفهومی و چارچوب مفهومی حاکم بر این نوشتار (مفهوم اسلامی قدرت نرم) تشریح می‌شود و ضمن ارائه نقشه راه پژوهش، اصول (توحید، امامت و عدالت)، ابزارها (تقیه، مناظره و معجزه) و کاربست قدرت نرم در سیره حضرت در قبال شیعیان امامیه، غالیان، علمای سایر ادیان و حکومت مأمون بررسی و بر اقدام‌های قدرت نرم محور امام (علیه السلام) در قبال حکومت مأمون تمرکز می‌شود.

۱. پیشینه تحقیق

اگرچه از ورود مفهوم قدرت نرم به واژگان علوم سیاسی مدت زیادی نمی‌گذرد، پژوهش‌های گسترده‌ای در این حوزه صورت پذیرفته که بیشتر صبغه غربی و سکولار دارد. از پیشگامان این عرصه «جوزف‌نای» نویسنده کتاب معروف «قدرت نرم» است (Nye, 2005) که الهام‌بخش بیشتر پژوهشگرانی است که پای در حوزه مطالعات قدرت نرم گذارده‌اند. افزون بر نگاه غربی به قدرت نرم، تلاش‌های شایان توجهی در راستای بومی‌سازی و ارائه مفهوم اسلامی قدرت نرم انجام شده که به نگارش کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های عدیده‌ای منجر شده است. نمونه این تلاش‌ها در مسیر بومی‌سازی قدرت نرم بر مبنای ارزش‌های اسلامی را در کتاب «قدرت نرم، فرهنگ و امنیت؛ مطالعه موردی بسیج» می‌بینیم (افتخاری، ۱۳۸۷). پایان‌نامه «قدرت نرم از نگاه قرآن کریم» اثر دیگری است که به دنبال ارائه مفهوم اسلامی قدرت نرم مبتنی بر آیات قرآن است و به بازتعریف قدرت نرم غربی بر مبنای آموزه‌های اسلامی پرداخته است (کریاسی، ۱۳۹۱). همچنین، می‌توان به مقاله «ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی» اشاره کرد که به تبیین ساحت‌های سازنده قدرت نرم در نگاه اسلامی می‌پردازد و در نهایت اصول حاکم بر مفهوم اسلامی قدرت نرم را در قیاس با رویکرد سکولار ارائه می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۴). کتاب «منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام» یکی از ارکان مهم قدرت نرم یعنی سرمایه اجتماعی را بررسی کرده است (ردادی، ۱۳۸۹). کتاب «جنگ نرم در دیدگاه قرآن» با تدقیق در مفهوم جنگ نرم به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت نرم، به جستجوی شیوه‌های جنگ نرم بر ضد انبیا، منابع قدرت نرم و راه کارهای مقابله با جنگ نرم در آیات الهی قرآن می‌پردازد (جوشقانی، ۱۳۸۹). در مقاله «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران» شاهد بیان مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر اسلام و بررسی مؤلفه‌های نرم‌افزاری این قدرت در جمهوری اسلامی ایران هستیم. مؤلفان در نهایت به ارزیابی کاربرد آن در جمهوری اسلامی ایران توجه کرده‌اند (جعفری‌پناه و پوراحمدی، ۱۳۹۲). مقاله

«تحلیل فقهی قدرت نرم نهاد مرجعیت شیعی با تأکید بر شئون دوگانۀ فتوا و حکم» جایگاه مرجعیت دینی شیعه را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم بررسی و سپس به جایگاه و شئون فتوا و حکم به‌عنوان دو ابزار اساسی در نظام فقهی - سیاسی اسلام پرداخته است (فدوی و همکاران، ۱۳۹۶).

در حوزه مطالعه موردی قدرت نرم اسلامی در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز پژوهش‌هایی صورت پذیرفته که پایان‌نامه‌های «قدرت نرم در سیره پیامبر اعظم» (حاج امینی، ۱۳۹۴) و «قدرت نرم در سیره علوی» (خدادادی، ۱۳۹۱) در زمره این آثار است. این آثار به تشریح معنا و کاربرد قدرت نرم در سیره نبوی و علوی پرداخته و منابع قدرت نرم و دامنه کاربرد آن را به رشته تحریر درآورده‌اند. در این میان، آنچه تاکنون به شکل خاص مورد توجه قرار نگرفته و خلأ آن در ساحت پژوهشی و تألیفی احساس می‌شود، بررسی قدرت نرم در سیره رضوی است. بداعت مقاله حاضر در پرداختن به این موضوع، ضمن ارائه نقشه راه پژوهش است که اصول، ابزارها و کاربردهای قدرت نرم در سیره امام رضا علیه السلام را تشریح می‌کند تا از این رهگذر، جورچین بومی‌سازی اسلامی مفهوم قدرت نرم کامل‌تر گردد.

۲. چارچوب مفهومی و روشی

تشریح چارچوب مفهومی و روشی حاکم بر پژوهش، نخستین گام در راستای تبیین سامان‌مند پژوهش است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۱. چارچوب مفهومی: مفهوم اسلامی قدرت نرم

تبیین جایگاه یک مفهوم سیاسی در سیره بزرگانی که قول و فعل‌شان منبعث از سرچشمه شریعت الهی است، ضرورت اتخاذ رویکرد و روش متناسب با نگاه شریعت‌مدار را به دست می‌دهد. از این‌رو، برای بررسی مفهوم قدرت نرم در سیره

حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) باید از رویکردی بهره جست که ضمن اینکه بر پایه آموزه‌ها و تعالیم اسلامی باشد، اصول، منابع، اهداف و کاربست‌های قدرت نرم را به نحوی ارائه دهد که کارآمدی خود را در گذار از ساحت نظری به عرصه عملی نیز اثبات کند. این بازتعریف شریعتمدار در قالب مفهوم اسلامی قدرت نرم و با روش توصیفی - تحلیلی ارائه می‌شود که هم محدودیت‌های نظریه غربی قدرت نرم را ندارد و هم با توجه به اقتضائات جامعه اسلامی، بومی‌سازی شده است و به‌مانند نظریه غربی قدرت نرم، اصول، منابع، اهداف و کاربست‌های مشخصی را برای خود تعریف کرده است.

۱-۱-۲. اصول مفهوم اسلامی قدرت نرم

شالوده مفهوم اسلامی قدرت نرم بر توحید، امامت در امتداد نبوت و عدالت استوار شده است و به‌نحوی می‌توان این مؤلفه‌ها را اصول قدرت نرم دانست و دیگر مؤلفه‌ها و موضوعات را زیرشاخه‌هایی برشمرد که متأثر از این اصول می‌باشند و در مجموع شجره طیبه‌ای را شکل می‌دهند که ریشه‌های آن در آسمان و شاخه‌های آن در زمین است و به‌وسیله آن قوانین و منویات شریعت الهی پیاده‌سازی می‌شوند. توحید که ریشه این درخت تنومند است، وحدت و همنوایی کل ساختار را حول محور یگانگی خالق یکتا سامان می‌دهد و امامت که در طول نبوت است نیز خود در طول توحید جای می‌گیرد تا از مجرای این ارتباط طولی، بستر تکامل و رشد مخلوقات بر مدار اصالت حق و عدالت‌گرایی محقق شود.

۱-۲-۲. اهداف قدرت نرم در مفهوم اسلامی قدرت نرم

بر اساس نگاه توحیدمحورانه جهان‌بینی اسلامی به رفتارهای فردی و اجتماعی، اهداف قدرت نرم نیز به‌سان اصول آن باید در مدار تعالی فرد در بستر اجتماع و تکامل روح اجتماعی سامان یابد. این هدف‌گذاری نقطه تمایز عینی قدرت نرم در رویکرد اسلامی از دیگر رویکردهاست. بر این اساس، دو هدف عمده را می‌توان برای

نظریهٔ اسلامی قدرت نرم بیان کرد:

الف. اطاعت و عبادت پروردگار

از آن منظر که یکی از اصلی‌ترین اهداف خلقت، اطاعت و بندگی خداوند و کسب معرفت توحیدی توسط مخلوقات است و هستی و خلقت بدین سمت و سو رهسپار است، می‌توان برای اعمال قدرت - چه سخت و چه نرم - نیز چنین غایتی را در چارچوب گفتمان اسلام سیاسی - فقهاتی تصور نمود و تصویر کرد. به دیگر سخن، از نگاه اسلامی اعمال قدرتی مشروع است که رنگ‌وبوی فرمان‌پذیری الهی داشته باشد و هر قدرت‌ورزی در غیر این غایت، نامشروع و نامقبول است. از منظر حضرت رضا (علیه السلام) عبادت و تبعیت از فرمان الهی، لازمهٔ اعمال هر نوع قدرتی است و در نظر نگرفتن این مهم به مثابهٔ دریدن حرمت اسلام قلمداد می‌شود. ایشان در سند ولایتعهدی، در این باره می‌نویسند: «هر کس گره‌ای را که خدا بستنش را امر کرده بگشاید و ریسمانی را که هم او تحکیمش را پسندیده، قطع کند، به حریم خداوند تجاوز کرده است؛ چه او با این عمل امام را تحقیر نموده و حرمت اسلام را دریده است.» حضرت در ادامهٔ این سند می‌افزایند: «اگر چیزی از پیش از خود آوردم یا در حکم خدا تغییر و دگرگونی در انداختم، شایستهٔ این مقام نبوده، خود را مستحقّ کیفر نموده‌ام و من به خدا پناه می‌برم از خشم او...» (عاملی، ۱۳۶۵: ۴۲۸-۴۲۹). همچنین حضرت علی (علیه السلام) نیز در باب این موضوع می‌فرمایند: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به‌دست‌آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱).

ب. تأمین مصلحت عمومی

هدف مهم در اعمال قدرت به‌طور کلی تغییر در رفتار طرف مقابل است. اعمال‌کننده قدرت از این تغییر رفتار، اهدافی را جستجو می‌کند که آن‌ها را می‌توان کسب منفعت، مصلحت و اعمال سیطرهٔ هژمونیک دانست. مهم‌ترین هدفی که نظریهٔ غربی قدرت نرم به‌دنبال آن است، کسب منفعت شخصی است در حالی که مفهوم اسلامی قدرت نرم تأمین مصلحت عمومی را هدف قدرت نرم می‌داند. در این مفهوم، دین باعث می‌شود فعالیت‌های انسانی در جهت گرایش‌های عالی انسانی باشد و مصلحت عموم بر مصلحت فرد ارجحیت پیدا کند (خدادادی، ۱۳۹۱: ۳۲). مصلحت‌اندیشی ابعاد گوناگونی دارد که یکی از اساسی‌ترین آن‌ها حفظ وحدت و انسجام جامعه است. حضرت رضا (علیه‌السلام) دربارهٔ این مهم در سند ولایت‌عهدی خود ضمن بیان تلویحی حق حکومتی که از ایشان سلب گردیده، می‌نویسند: «در گذشته کسی این چنین کرد ولی برای جلوگیری از پراکندگی در دین و جدایی مسلمین اعتراضی به تصمیم‌ها نشد و امور تحمیلی به‌عنوان راه‌گریز تحمل گردید» (عاملی، ۱۳۶۵: ۴۲۸-۴۲۹).

۳-۱-۲. ابزارهای مشروع در مفهوم قدرت نرم اسلامی

رابطهٔ هدف و وسیله یکی از پرچالش‌ترین مباحثی است که از دیرباز میان اصحاب جهان‌بینی‌های مختلف وجود داشته است. در یک سر طیف ماکیاولیسم سیاسی و طرفداران اولویت‌داشتن اهداف سیاسی بر اخلاق‌گرایی قرار دارند و در سوی دیگر پیروان مکاتب و حیانی هستند که بر تناسب میان جنس هدف و وسیله تأکید می‌ورزند. از منظر مفهوم اسلامی قدرت نرم، از آن‌روی که هدف غایی اعمال قدرت، عبودیت الهی و تکامل مادی و معنوی فرد و اجتماع در گستره نظام آفرینش است، پس ابزارهای مورد استفاده در این راه نیز باید کارآمد و از جنس حق‌مداری و در چارچوب موازین اسلامی باشند. شهید مطهری ضمن تأکید بر این مهم، در باب این موضوع می‌نویسد: «برای حق باید از حق استفاده کرد. یکی از راه‌هایی که از آن راه بر دین از جنبه‌های مختلف ضربه وارد شده است،

رعایت نکردن این اصل است که ما همان‌طور که هدف‌مان باید مقدس باشد، وسایلی هم که برای این هدف مقدس استخدام می‌کنیم باید مقدس باشد. نه فقط برای خودمان نباید دروغ بگوییم، به نفع دین هم نباید دروغ بگوییم. به نفع دین تهمت‌زدن، به نفع دین بی‌دینی کردن است. دین اجازه نمی‌دهد ولو به نفع خودش ما بی‌دینی کنیم» (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۱۱). این ابزارهای مقدس که می‌خواهند تولیدکننده انواع قدرت (سخت، نرم و تلفیقی هوشمند) باشند و به پشتیبان کارآمدی برای پیاده‌سازی سیاست‌های عامل آن تبدیل گردند، خود نیز باید در چارچوب اهداف سیاست‌گذار، از جنس سخت، نرم و تلفیقی هوشمند باشند تا بتوانند متناسب با اقتضائات زمانی و مکانی، بهترین عملکرد ممکن را در تولید قدرت، به‌ویژه قدرت نرم، داشته باشند.

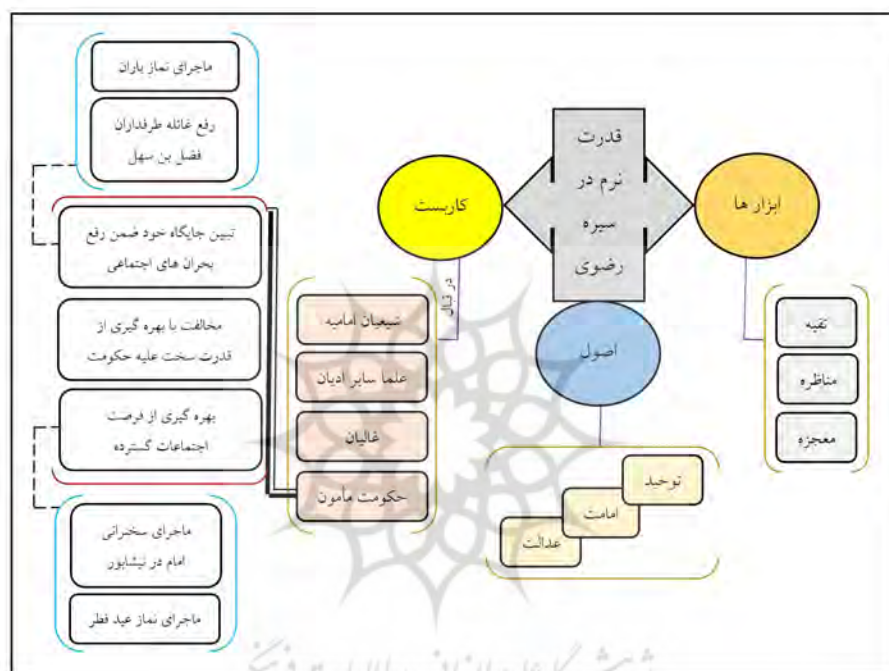
۲-۲. چارچوب روشی: روش توصیفی - تحلیلی

هدف در روش توصیفی - تحلیلی توصیف منظم، عینی و واقعی یک موضوع یا یک موقعیت است. در این روش، تلاش بر بیان نتایج عینی منتج از موقعیت و واقعیت است. جمع‌آوری اطلاعات متناسب با فرضیه، پاسخ به سؤال‌های پیرامون موضوع و توصیف کیفی و تفسیر مفاهیم به‌صورت نظام‌مند از ملزومات پیاده‌سازی این روش در پژوهش است که سبب کشف حقایق و ایجاد شناخت کلی و ارتباط مفهومی می‌گردد.

۳. مؤلفه‌های دخیل در مفهوم قدرت نرم در سیره رضوی

چنان‌که از نظر گذشت، مفهوم اسلامی قدرت نرم با تمام لوازم و اجزای آن، محمل مناسبی را جهت واکاوی قدرت نرم در سیره و مکتب حضرت رضا (علیه السلام) فراهم می‌آورد و این فرصت را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد که در قالبی ارزش‌محور و سازمان‌یافته، قدرت نرم از منظر آن امام همام را تبیین کنند. بر

این اساس، ضمن ارائه نقشه راه بحث که در چارچوب مفهوم اسلامی قدرت نرم سامان یافته است مفهوم قدرت نرم در سیره رضوی از طریق تبیین اصول، ابزارها و کاربرست این نوع از قدرت در سیره ایشان، تشریح می شود.



شکل ۱. نقشه راه پژوهش قدرت نرم در سیره رضوی

۳-۱. اصول قدرت نرم در سیره رضوی

برای شناخت دقیق هر موضوع باید اصول و بنیادهای حاکم بر آن موضوع بررسی شود. از این رو، اصول قدرت نرم در سیره حضرت رضا (علیه السلام) را در ادامه تبیین می کنیم:

۱-۱-۳. توحید

بنیادی‌ترین اصل در منظومه جهان‌بینی رضوی که روح مفهوم اسلامی قدرت نرم را نیز تشکیل می‌دهد، توحید است. اصلی که تمام کثرت‌ها در آن وحدت می‌یابند و از آن، کثرت‌ها حاصل می‌شود و جمیع اقدام‌های متأثر از تعالیم دینی از آن ریشه می‌گیرند و به‌سوی آن رهسپارند. از منظر امام رضا (علیه السلام) توحید اصل معرفت خداوند است؛ معرفتی که در اول بندگی و عبادت پروردگار قرار دارد (ابن‌بابویه، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۹۲). از نظرگاه ایشان، در مباحث توحیدی، معرفت در مرتبه اول است و حقیقت بندگی که تذلل و اطاعت است، بدون تحقق معرفت صورت نخواهد پذیرفت و در مقام معرفت نیز پایه آن توحید و یکتا دانستن پروردگار متعال است. پس در مرتبه اول پایه توحید باید استوار گردد و سپس روی آن معرفت شاخ و برگ پیدا کند و در مرتبه سوم عبادت و بندگی تحقق یابد (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۴). این فضای گفتمان توحیدی که مبتنی بر سه پایه اولویت‌محور (توحید، معرفت و عبادت) است، جریان اعمال قدرت اسلامی در حوزه غایت‌گذاری قدرت را شکل می‌دهد.

۲-۱-۳. امامت

در اندیشه رضوی، امامت یکی از راه‌های مهم معرفت الهی و میوه رحمانی بوستان توحید است. یادگار ماندگار حضرت در این باره، حدیث گران‌سنگ سلسله‌الذهب است که در نیشابور ایراد فرمودند: «کلمه لا اله الا الله دژ استوار من است؛ هر کس به این دژ درآید از عذاب من ایمن خواهد بود. پس هنگامی که مرکب حضرت حرکت کرد، با صدای بلند فرمود: با شروط آن و من خود یکی از شروط آن هستم» (ابن‌بابویه، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۳۵). بر این مبنا، اگرچه توحید اصل و اساس است و دژ محکم و حصن حصین الهی است، لکن مسیر رسیدن به توحید حقیقی و یافتن توحید ناب و پرستش اثرگذار، گرفتن حقایق از امام و پیروی از آن است. امام (علیه السلام) در برابر خواسته‌های اهالی این شهر به مسئله توحید پرداخت؛ زیرا اصولاً ریشه همه انحراف‌ها و اختلاف‌ها، معلول دور شدن امت اسلامی از بنیادی‌ترین اصل اسلامی

یعنی توحید است. محتوای توحید پذیرش امامت است و با قبول ولایت ائمه (علیهم السلام) است که توحید ناب و واقعی محقق خواهد شد (حبیبی و مروجی، ۱۳۹۱: ۵۳).

حضرت رضا (علیه السلام) ضمن تبیین جایگاه امامت با توجه به ارتباطی که با تعالیم توحیدی و نبوت دارد، می‌فرماید: «... بی‌تردید امامت قدری جلیل‌تر و شأنی عظیم‌تر و مکانی بلندتر و جانبی منیع‌تر و باطنی عمیق‌تر از آن دارد که مردم به جهت عقل و خرد خود بدان رسند یا آن‌که به اختیار خود امامی را منصوب کنند. بی‌شک، امامت منزلتی است که خداوند ابراهیم خلیل را پس از نبوت و مقام خلیل‌اللهی در مرتبه سوم بدان مخصوص ساخته و فضیلتی است که بدان مشرف فرموده و نامش را بلندآوازه ساخته؛ پس خداوند فرمود: [به یاد آر] آنگاه که ابراهیم را پروردگارش به اموری چند بیازمود و او آن‌ها را به انجام رسانید. [خدای] گفت: تو را برای مردم امام برگزیدم» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۴۳).

در مجموع، از روایت امام رضا (علیه السلام) درباره شئون امام این‌طور برداشت می‌شود که اجرای حدود و احکام الهی، پاسداری از جامعه اسلامی در برابر هجوم بیگانگان، تقسیم سرمایه‌های عمومی میان افراد جامعه، ایجاد وحدت و انسجام میان اقشار جامعه اسلامی، حمایت از مظلومان، حفظ دین از تحریف و دستبرد بدعت‌گذاران و کج‌اندیشان، از شئون و وظایف امامت است. بدیهی است که ابزار تحقق این شروط، قدرت اجرایی و سیاسی است. به عبارتی، امام با این نوع تعریف اجتماعی و عینی از امامت، این نکته را خاطرنشان می‌فرماید که شخص امام با همه کمالات معنوی و روحانی دارای وظایف و شئون بسیار مهم سیاسی و اجتماعی نیز هست و مقام امامت در عین ارتباط و پیوستگی با حوزه الهی و وحیانی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی بی‌اعتنا نیست (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶۲۳) و امور سیاسی و اجتماعی را به‌نحوی تدبیر می‌کند که کاربست قدرت در راستای تحقق اهداف اسلامی به بهترین نحو پیاده‌سازی شود.

۳-۱-۳. عدالت

تأمین و برقراری عدالت چه در حوزه فردی و چه اجتماعی آن، یکی از اصول مهم و پایه‌های قدرت نرم اسلامی بر مبنای آموزه‌های رضوی را تشکیل می‌دهد و در ساحتی به‌عنوان هدف میانی ارسال انبیا و پیشوایان دینی از جانب صاحب شریعت شریف قلمداد می‌شود. امام که یکی از رسالت‌های الهی او حکومت بر جامعه اسلامی است، مسئولیت عدالت و دادگستری در جامعه را برعهده دارد و به نقل امام رضا (علیه السلام) جز عدالت، دادگستری، راستگویی و وفای به وعده، از وی خواسته نشده است. حضرت در پاسخ به اعتراض صوفیه مبنی بر اینکه چرا امام (علیه السلام) از لباس‌های خشن استفاده نمی‌کنند، فرمودند: «یوسف (علیه السلام) پیامبر بود، در حالی که لباس‌های زیبا و زربفت می‌پوشید و بر متکای خاندان فرعون تکیه می‌زد و حکومت می‌کرد. آرهبری شایسته به آن نیست که شما گمان کرده‌اید، بلکه [تنها از امام عدالت و دادگستری خواسته می‌شود. هنگامی که سخن گوید، راست بگوید و هنگامی که حکم کند، عدالت را رعایت کند و هنگامی که وعده داد، به وعده وفا نماید...» (اربلی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۴۷-۱۴۸). همچنین امام (علیه السلام) در بیان دیگری ضمن تبیین علت حرمت فرار از جنگ، آشکارساختن عدالت و ترک جور و از بین بردن فساد را در زمره اصول اقدام‌ها و رسالت امام برمی‌شمارند و امامان را به عادل‌ها توصیف می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ج ۲: ۹۹).

ابزار تحقق این اصل اساسی و رسالت بنیادین، بهره‌گیری از ابزار قدرت است تا به‌وسیله آن کژی‌های امت راست و حقوق مؤمنان و مردم از ستمگران بازپس گرفته شود. این قدرت، تضمین‌کننده تحقق رسالت‌هایی است که سلسله انبیا، اولیا و حاکمان اسلامی عهده‌دار شده‌اند و باری‌رسان طلوع خورشید عدالت از افق جامعه آرمان‌گرای اسلامی است.

۲-۳. ابزارهای قدرت نرم در سیره رضوی

بهره‌گیری از ابزارهای متناسب با اهداف و متناجس با اصول، شرط توفیق اعمال قدرت در مفهوم قدرت نرم اسلامی است. حضرت رضا (علیه السلام) نیز با اشراف به این مهم، ابزارهایی را در راستای اعمال مطلوب قدرت در دوران پیش از ولایتعهدی و پس از آن به کار می‌گرفتند که تقیه، مناظره و معجزه از اساسی‌ترین این ابزارها و تسهیل‌کننده مسیر تحقق اهداف اجتماعی به‌شمار می‌رفتند.

۱-۲-۳. تقیه

تقیه در معنای لغوی به‌معنای پرهیز کردن، خودداری از اظهار عقیده و مذهب یا تظاهر برخلاف عقیده و خود را هم‌مذهب دیگران نشان‌دادن برای حفظ جان است (عمید، ۱۳۵۹: ۳۱۰). دهخدا نیز تقیه را آوردن به زبان از روی صلاح وقت چیزی را که در دل غیر آن باشد، تعریف می‌کند (دهخدا، ۱۳۶۳: ۶۰۳۹). در معنای اصطلاحی، تقیه، مخفی کردن حق از دیگران یا اظهار خلاف آن است به جهت مصلحتی که مهم‌تر از مصلحت اظهار آن باشد (تربتی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۵).

تقیه از آن جهت که با مدیریت و جهت‌دهی به رفتار فرد تقیه‌کننده در مقام ضرورت، سبب پیشبرد اهداف باطنی، ضمن دفع خطر می‌شود، می‌تواند به‌عنوان ابزار تولیدکننده قدرت نرم محسوب شود؛ چراکه از جنس قدرت نرم است و با تظاهر قاعده‌مند بر مطلوبیت‌های طرف مقابل و یا حداقل عدم مخالفت ظاهری و ضابطه‌مند با خواست‌های او، می‌تواند سبب پایداری و توسعه جریانی شود که در محاسبات مادی، دست برتر را دارا نیست.

تقیه در مکتب رضوی جایگاه والایی دارد تا جایی که امام (علیه السلام) زمان تقیه را تا ظهور حضرت حجت (عج) می‌دانند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «دین ندارد کسی که ورع ندارد. ایمان ندارد کسی که تقیه نمی‌کند. گرامی‌ترین شما در نزد پروردگار آن کس است که تقوایش بیشتر باشد و تقیه را مورد عمل قرار دهد. خدمت رسول الله

عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردند: تا کدام وقت باید تقیه کرد؟ فرمود: تا روز معین که روز خروج قائم ماست و هرکس قبل از خروج قائم ما تقیه را ترک کند، از ما نخواهد بود» (مجلسی، بی تا، ج ۶۵: ۱۹۹). اهمیت این ابزار اساسی در پیشبرد اهداف اسلامی تا جایی است که امام اجازه شرفیابی به گروهی از شیعیان را که برای دیدار امام آمده بودند، ندادند و یکی از دلایل عدم اذن دخول بی توجهی آنها به اصل تقیه ذکر شده است: «آنجا که نباید تقیه می کنید و آنجا که باید تقیه نمی کنید» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۴۱). امام رضا (علیه السلام) حتی در دوران پس از ولایتعهدی که به ظاهر دوران قدرت حضرت بود نیز از استفاده از تقیه غفلت نمی ورزیدند تا آنجا که مأمون عباسی را در برخی مجالس و مکاتبات با لفظ «امیرالمؤمنین» خطاب کرده و او را تکریم می کردند (به عنوان نمونه، نگاه کنید به: ابن بابویه، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۳۵).

۲-۲-۳. مناظره

ابزارهای تجلی دهنده علم، از آن منظر که توان تسخیر عقول و قلوب را دارند، می توانند به جهت دهی رفتار مخاطب مطابق میل جهت دهنده و تولید فضایی مشروعیت ساز پردازند؛ مسئله ای که در ارتباط مستقیم با ساحت قدرت نرم است. یکی از این ابزارهای اساسی مناظره است که ظرفیت تولید بیشترین سطح از قدرت نرم را داراست و حضرت رضا (علیه السلام) نیز اهتمام ویژه ای نسبت به آن مبذول می داشتند. در واقع، در میدان رقابت سیاسی ظریف و زیرکانه میان حضرت رضا (علیه السلام) و مأمون عباسی، بهره گیری از جایگاه مناظرات و گفتگوهای علمی میان علمای ادیان با امام (علیه السلام) جایگاه ویژه ای داشت. این مناظرات که با هدف کسب منزلت برای حکومت مأمون در منظر بزرگان سایر ادیان و تخریب امام رضا (علیه السلام) توسط مأمون ذیل پروژه ای توطئه محور برگزار می شد، به محملی برای پیاده سازی طرح ضد توطئه ای حضرت، شناساندن جایگاه علمی و معرفتی امام (علیه السلام) و شایستگی ایشان برای کسب مقام خلافت بدل شد. امام رضا (علیه السلام) در سخنانی صریح، انگیزه شرکت در مناظرات را این گونه بیان داشتند: «زمانی که متوجه شود با اهل تورات به توراتشان، با

اهل انجیل به انجیل‌شان، با زبور به زبورشان، با صابئی‌ها به آیین عبرانی‌شان، با هرابدان به پارسی‌شان، با رومیان به زبان رومی‌شان و با ارباب بحث با لغات و اصطلاح‌شان سخن‌گویم و آنگاه دلیل‌های هر یک را از پای درآوردم؛ آن‌چنان‌که هر کس گفته خود را پس گرفته و به سخنم گراید. مأمون خواهد فهمید بر کرسی خلافت نابه‌جا تکیه داده و محلی را که شایسته آن نبوده، غاصبانه در اختیار درآورده؛ در این موقع است که کاملاً پشیمان خواهد شد و به بیچارگی خود اعتراف خواهد کرد» (ابن‌بابویه، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۵۶).

امام رضا (علیه‌السلام) در برابر علمای دیگر فرق همواره با بردباری و صبر برخورد می‌کردند و با این روش می‌خواستند نشان دهند به سخن آنان گوش فرا می‌دهند. سپس با ذکر دلیل و سند متقن، برای آن‌ها دلیل می‌آوردند و مانع از مکابره آن‌ها می‌شدند. هنگامی که به مناظرات ائمه (علیهم‌السلام) توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم که آن‌ها در برخورد با مخالفان و منکران، همواره به‌طرف مقابل مجال تفکر و اندیشه می‌دادند و مناظرات آنان در فضای آکنده از خلوص و صمیمیت برگزار می‌شد. ائمه (علیهم‌السلام) همواره با دقت و حوصله به سخنانشان گوش فرا می‌دادند تا آن‌ها بدون هیچ خوفی، مقاصد مکنون خود را برملا کنند (مصطفوی، ۱۳۶۴: ۱۹).

درواقع، حضرت تلاش می‌کردند تا مناظرات خود را در دو سطح کلامی و کلامی - سیاسی، مطرح کنند. امام رضا (علیه‌السلام) در سطح کلامی مناظرات خود در پی تبیین مسائل کلامی و اعتقادی اسلام هستند تا از این طریق از اصول اعتقادی مسلمانان در برابر شبهات دفاع کنند و جامعه اسلامی را از انحراف‌رهایی ببخشند و مسلمانان را از معارف اسلامی سیراب کنند؛ اما سیاست حضرت فقط به بحث‌های اعتقادی محدود نمی‌شد، بلکه ایشان با عبور از سطح کلامی مناظرات، در پی تحلیل مسائل سیاسی و رسیدن به سطح زیرین مناظرات بودند. به‌عبارت دیگر، ایشان تلاش می‌کردند تا مباحث کلامی را به مباحث کلام سیاسی پیوند بزنند و این شاهکار سیاسی امام رضا (علیه‌السلام) بود که بازی حاصل جمع غیرصفر را به بازی سیاسی سرجمع صفر بدل کردند (کارخانه، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

۳-۲-۳. معجزه

معجزه یکی از ابزارهای اختصاصی انبیا و ائمه (علیهم السلام) است که به تولید قدرت نرم منجر می‌شود و امری است که به صورت خلاف عادت از شخص مدعی نبوت یا امامت در هنگام درخواست منکران صادر می‌شود، به صورتی که دلالت بر صدق وی کند و دیگران امکان معارضه با وی را نداشته باشند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۲۲). این ابزار راهگشا در متن احادیث علاوه بر انبیا، درباره ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز به کار رفته است؛ چنان که امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: «بزرگ‌ترین و بیشترین گناه مردم از منظر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) گناه کسی است که بر عالم آل محمد (علیهم السلام) طعنه می‌زند و سخنانشان را تکذیب و معجزه‌های ایشان را انکار می‌کند» (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۷).

به نقل تاریخ، داستان معجزات و کراماتی از حضرت رضا (علیه السلام) بر جای مانده که حاکی از قدرتی الهی و فرامادی در تأثیرگذاری بر قلوب و آرای مردمان است. در این باره، به‌عنوان نمونه از مقاله «واکاوی اصول و گونه‌های اعجاز در سیره امام رضا (علیه السلام)» به دو مورد اشاره می‌کنیم:

الف) محمدبن علاء جرجانی گوید: به حج رفتیم و علی بن موسی (علیه السلام) را دیدیم که خانه خدا را طواف می‌کرد. به حضرت گفتم: به فدایت شوم! آیا این حدیث از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده که «هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است؟» حضرت فرمود: «آری، پدرم از جدم، از حسین بن علی (علیه السلام)، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده است... عرض کردم: «پس امام زمان ما کیست؟ من او را نمی‌شناسم!» حضرت فرمود: «من امام زمانم». عرض کردم: «به چه دلیل و علامتی؟» فرمود: «به نزد خانه خدا بیا... درحالی که نوزادی در برابر حضرت بود و به دستش خرمایی بود که داشت آن را می‌خورد. پس نوزاد به سخن آمد و گفت: «حق با مولای من است و او امام است». محمدبن علا گوید: رنگ رخساره‌ام تغییر کرد و بی‌هوش افتادم و از من سوگند شدیدی گرفت که تا ایشان وفات نکرده، این ماجرا را به کسی نگویم (ابن حمزه، ۱۴۱۹ق: ۴۹۶-۴۹۵).

ب) «وکیع گوید: حضرت علی بن موسی علیه السلام را در آخرین روزهای عمر مبارکش دیدم. عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، می‌خواهم از شما معجزه‌های نقل کنم. معجزه‌های به من نشان دهید.» سپس گوید: «دیدم که حضرت از صخره‌ای برای ما آب جاری کرد و ما را از آن سیراب کرد و خود نیز نوشید» (حر عاملی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۳۷۱).

معجزه‌های حضرت رضا علیه السلام که از ابزارها و منابع مؤثر در قدرت نرم حضرت به‌شمار می‌آیند، تأثیر بسیاری در دل‌وجان افراد جویای حقیقت گذاشته و این افراد پس از دیدن معجزه‌ها به امامت حضرت، ایمان و اعتقاد پیدا می‌کردند. در واقع، معجزه‌های ایشان هم نقش راهنما، دلیل و نشانه را داشت برای کسانی که در پی حق و حقیقت بودند و هم نقش اتمام حجت برای کسانی که می‌گفتند اگر معجزه‌ای نشانمان دهی، ایمان می‌آوریم (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

۳-۳. منابع قدرت نرم در سیره رضوی

منابع قدرت نرم، مصادر قدرتی است که اگر به شکل صحیح و اصولی به کار گرفته شوند، آن‌گاه قدرت نرم مطلوب تولید می‌شود. در سیره حضرت رضا علیه السلام منابع قدرت نرم که برآمده از جایگاه و شخصیت رفیع مقام امام معصوم بود، بر فرهنگ و اخلاق اسلامی و ارزش‌های سیاسی-اجتماعی برآمده از گفتمان وحی محور اسلامی که متناسب با اقتضائات روز جامعه تجلی می‌یافت و برای جامعه اسلامی به‌ویژه شیعیان جذابیت داشت، استوار گردیده بود. افزون بر این دو منبع اساسی، اتخاذ بهترین شیوه مواجهه با قدرت مستقر در چارچوب منظومه تعاملاتی منطق محور حضرت نیز به بیشینه‌سازی قدرت نرم اعمالی امام رضا علیه السلام کمک شایانی می‌کرد.

۳-۴. کاربست قدرت نرم در سیره رضوی

مدیریت هدفمند ابزارها در راستای اهداف و اصول قدرت نرم در سیره رضوی آنگاه

تجلی می‌یابد که کاربست قدرت نرم رضوی در قبال گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و مذهبی مورد واکاوی و کنکاش قرار گیرد. از این‌رو، به بررسی قدرت نرم اعمالی حضرت در قبال شیعیان امامیه، علمای سایر مذاهب، غالیان و حکومت مأمون می‌پردازیم.

۱-۴-۳. کاربست قدرت نرم حضرت در قبال شیعیان امامیه

برقراری ارتباط مستمر و اثربخش میان رهبر و پیروان، یکی از کلیدی‌ترین عوامل دخیل در تقویت جنبه کارزماتیک پیشواست. امام رضا (علیه السلام) نیز با توجه به گستردگی جامعه اسلامی آن روز و فشارهای وارده از سوی حکومت عباسیان، توجه ویژه‌ای به استحکام بخشی به بدنه شیعیان و حفظ وحدت و به هم پیوستگی میان آنان مبذول می‌داشتند. این انسجام بخشی که ناشی از کارزما و ساختارسازی امام (علیه السلام) بود، آنگاه که در کنار قدرت معنوی و نفوذ کلام حضرت قرار می‌گرفت، به بیشینه شدن قدرت نرم اعمالی حضرت می‌انجامید. توجه به این مهم، نه تنها در دوران ولایتعهدی بلکه در دوران پیش از آن نیز در سیره امام (علیه السلام) به چشم می‌خورد. سفر امام (علیه السلام) به دو شهر کوفه و بصره و ارتباط با شیعیان آن دو دیار، نمونه بارز اقدام قدرت نرم محور حضرت است. رفیعی در کتابش در این باره می‌نویسد: «امام رضا (علیه السلام) فرصت یافت از نزدیک با جمعیت انبوه شیعیان و ارادتمندان اهل بیت (علیهم السلام) در دو پایگاه مهم بصره و کوفه تماس مستقیم بگیرد و با سخنان منطقی و ارائه معجزات و کرامات ایمان و اعتقاد آنان را نسبت به امامت خویش تحکیم ببخشد» (رفیعی، ۱۳۷۴: ۱۵۳). در قضیه سفر امام از مدینه به مرو نیز هر چند ایشان تحت مراقبت‌های شدید مأموران حکومتی بودند، توانستند دل‌های اهالی شهرهای شیعه‌نشین در مسیر را به دست آورند و نتایج تأثیر قدرت نرم را به نمایش بگذارند: «امام در طول این سفر هر چند تحت نظر و مراقبت شدید نیروهای امنیتی بود، ولی موفق شد با قشرهای مختلف مردم به ویژه شیعیان تماس بگیرد و با سخنان و بیان حدیث و نیز ارائه معجزات و کرامات، به تحکیم و تثبیت مبانی اعتقادی امت به ویژه در مسئله امامت خود همت گمارد و حقایق را

برای مردم آشکار سازد» (رفیعی، ۱۳۷۵: ۱۶۶).

امام رضا (علیه السلام) مشکل اصلی شیعیان را به‌ویژه در ایران، عدم برخورداری از انسجام و حرکت حول یک محور ایدئولوژیک می‌دانستند و در راستای رفع این معضل، پیوسته به تبیین جایگاه امامت در مقابل بنیاد خلافت می‌پرداختند و می‌کوشیدند که پایگاهی مستحکم برای شیعیان در ایران ایجاد کنند تا بهتر بتوان با بهره‌گیری از توان تشکیلات گسترده، سیاست‌های تخصص‌محور حکومت مأمون را خنثی نموده و شیعیان منفعل را به شیعیان فعال اعتقادی تبدیل کنند و موجب منظم کردن شیعیان و توسعه فکر شیعه شوند (جعفریان، ۱۳۷۷: ۱۵۶). ثمره این مجاهدت‌های امام (علیه السلام) می‌تواند در ساختار ارتباطی شیعیان در ادوار بعد به‌وضوح مشاهده کرد؛ هرچند بنا بر اختناقی که ائمه (علیهم السلام) پس از ایشان غالباً با آن روبه‌رو بودند، آن بزرگواران از ابتکار عمل اجتماعی - سیاسی به‌مراتب کمتری از ایشان برخوردار بودند. این تشکیلات ساختارمند مرهون برنامه‌های قدرت نرم‌محور نظیر تقیه است که ائمه معصومین (علیهم السلام) آن‌ها را ضامن بقا و گسترش این ساختار قلمداد می‌کردند.

۲-۴-۳. کاربست قدرت نرم حضرت در قبال علماء سایر ادیان

از لوازم پیاده‌سازی موفق قدرت نرم، توجه به‌تناسب میان ابزار و اهداف است. حضرت رضا (علیه السلام) با عنایت به این مهم، از ابزار مناظره به‌عنوان وسیله‌ای برای تحت تأثیر قرار دادن علمای سایر ادیان، متقاعد کردن و مجذوب‌ساختن قلوب آن‌ها به حقانیت جایگاه امامت استفاده می‌کردند. چنان‌که از نظر گذشت، مناظرات امام (علیه السلام) به‌مثابه سیاستی همه‌جانبه بود که از طریق استفاده از قدرت نرم برآمده از منطق و تعقل، دو جنبه سلبی و ایجابی را دنبال می‌کرد. قسمت سلبی آن درهم‌شکستن جایگاه و شوکت مأمون در انظار بزرگان و علمای سایر ادیان بود و بخش ایجابی آن رسالت‌شناساندن لایق اصلی کرسی زعامت مسلمین را بر عهده داشت. در واقع، امام (علیه السلام) از قدرت علم و بیان علم به‌عنوان سلاحی بزرگ در زمانی بهره‌گرفت که سلاح‌های شیعیان به‌دلیل تسلط خاندان عباسی رو به‌کندی گذاشته بود و راهی

جز بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم نظیر علم فراروی امام و شیعیان قرار نداشت. رهاورد این رویکرد، غلبهٔ ایدئولوژیک و گفتمانی امام رضا (علیه السلام) بر حکومت مأمون بود که موجبات تزلزل هرچه بیشتر دستگاه خلافت را پدید آورد.

۳-۴-۳. کاربست قدرت نرم حضرت در قبال غالیان

یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی که امام رضا (علیه السلام) پیوسته به‌طُرُق گوناگون با آن‌ها مقابله می‌کردند، فرقه‌ها و مذاهب ضالّه‌ای بود که در لباس دین به ایجاد اعوجاج و تحریف در اندیشهٔ گران‌سنگ اسلامی می‌پرداختند که «غالیان» در زمرهٔ مهم‌ترین آنان بودند. در تقابل با افکار منحط این گروه، حضرت رضا (علیه السلام) سیری هوشمندانه را در پیش گرفتند و ابتدا به پند و موعظهٔ ایشان همت گماردند تا شاید دست از اقدام‌های ناشایست خویش بردارند، اما هنگامی که با بی‌توجهی آنان روبه‌رو شدند، رفته‌رفته به وضع سیاست‌های تحریمی در قبال آنان پرداختند و از طریق نهی شیعیان به برقراری هرگونه ارتباط با آن‌ها، کار را به‌جایی رساندند که عملاً ادامهٔ زندگی بر غالیان دشوار شد. شیخ صدوق به نقل از امام (علیه السلام) در این باره می‌نویسد: «غالیان کافر و مفوضه‌شکرند. هرکس با آن‌ها همنشین شود یا با آن‌ها مخلوط شود یا با آن‌ها بخورد و بیاشامد یا با آن‌ها ارتباط تنگاتنگ داشته باشد یا با آن‌ها ازدواج کند یا به آنان زن دهد، یا آن‌ها را امان دهد یا آن‌ها را برای امانتی امین بداند یا سخن آن‌ها را تصدیق کند یا آن‌ها را با کوچک‌ترین کلمه‌ای یاری کند، از ولایت خدا و ولایت پیامبر و اهل‌بیت خارج شده است» (ابن‌بابویه، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۵۲). چنان‌که از نقل شیخ صدوق برمی‌آید، حضرت در قبال غالیان سیاست‌های تحریمی شدیدی را به‌کار گرفته‌اند که این خود نشان‌دهندهٔ جایگاه قدرت نرم در منظومهٔ اقدام امام (علیه السلام) است؛ زیرا تحریم از ابزارهای اساسی قدرت نرم بوده و در طول تاریخ بارها مورد بهره‌برداری قرار گرفته و غالباً کارایی خود را نشان داده است. البته، این نکته نیز قابل ذکر است که مطالعهٔ موردی غالیان در این نوشتار به‌عنوان نمونه صورت

پذیرفته و گرنه نمونه‌های دیگری از کاربست تحریم در سیره رضوی نیز یافت می‌شود که به‌نوبه خود قابل تحلیل و تشریح است.

۴-۳. کاربست قدرت نرم حضرت در قبال حکومت مأمون

پردامنه‌ترین و اصلی‌ترین تجلی کاربست قدرت نرم در سیره حضرت علی‌بن موسی‌الرضا (علیه‌السلام) بدون شک در قبال حکومت مأمون عباسی است؛ چراکه دوگانه امامت علوی - خلافت عباسی به‌ویژه پس از مهاجرت امام (علیه‌السلام) از مدینه به مرو و قبول ولایتعهدی، مهم‌ترین دوگانه‌ای بود که بنیاد تعارض‌های سیاسی در جامعه اسلامی را شکل می‌داد و بر مبنای آن هر یک از طرفین در صدد بودند که با غلبه بر جریان معارض، سیطره نرم‌افزارانه و سخت‌افزارانه خود را بر جامعه اسلامی تثبیت کنند. یکی از اساسی‌ترین محورهای اقدام‌های این دو جبهه، جلوگیری امام (علیه‌السلام) از مصادره اعتبارشان به نفع حکومت مأمون و تلاش حکومت در راه این مصادره بود. در راستای نیل به این مهم، هر یک از طرفین ابزارهای مقدور و در دسترس خویش را به صحنه آوردند با این تفاوت که اصول و احکام اسلام ناب با قرائت رضوی، اجازه بهره‌گیری از ابزارهای نامشروع را نمی‌داد؛ ولی در اسلام بر مبنای قرائت عباسی، هدف وسیله را توجیه می‌کرد و استفاده از هر وسیله‌ای در راستای هدف، ناپسند جلوه نمی‌کرد. در این تقابل، چنان‌که رفت، قدرت نرم مهم‌ترین ابزار فراروی امام (علیه‌السلام) و شیعیان بود که از آن در قبال حکومت عباسی بهره‌برداری می‌کردند. در واقع، حضرت رضا (علیه‌السلام) با اینکه با بهره‌گیری از قدرت سخت علیه حکومت حسب موقعیت مخالفت می‌ورزیدند اما در چارچوب هندسه قدرت نرم، از فرصت اجتماعات گسترده بهره می‌گرفتند و ضمن رفع بحران‌های اجتماعی گریبانگیر حکومت، به تبیین جایگاه خود می‌پرداختند.

۴-۳-۱. مخالفت با بهره‌گیری از قدرت سخت علیه حکومت

در اندیشه سیاسی اسلام، تخاصم و مقابله با گفتمان‌های سیاسی معارض که کیان

شریعت مقدس را به مخاطره افکنده‌اند، از اصول خدشه‌ناپذیر اسلامی است که چگونگی آن را اقتضائات زمانی و عنصر مصلحت‌ورزی معین می‌کند. بر مبنای همین شرایط زمانه است که گاه قرارداد صلح امام حسن (علیه السلام) و معاویه منعقد می‌شود و گاه واقعه کربلا به وقوع می‌پیوندد. گاه امام سجاد (علیه السلام) نبرد خود با دستگاه طاغوت را در قالب ادعیه و مناجات صورت می‌دهند و گاه امام رضا (علیه السلام) از مسند ولایتعهدی، مقابله با جائزین عباسی را پی می‌گیرند. به عبارت دیگر، میزان بسط ید امام و شرایط سیاسی - اجتماعی روز، تعیین‌کننده جنس مبارزه جریان حق‌مدار است.

در دوران زندگانی امام رضا (علیه السلام) با وجود محبوبیت و موقعیت ممتاز و استثنایی که میان توده‌های مردم به‌ویژه شیعیان داشتند، به‌خوبی می‌دانستند که شرایط، اوضاع و احوال سیاسی - فرهنگی جامعه اسلامی در سطحی نیست که ایشان زمام خلافت را در دست گیرند و همچون جدشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و پدرشان امیر مؤمنان (علیه السلام) حکومت کنند (رفیعی، ۱۳۷۴: ۱۷۰). از سوی دیگر، قیام‌هایی در زمان ایشان به‌وقوع می‌پیوست که غالباً رنگ‌وبوی دنیاطلبانه داشت و اگرچه به اسم حمایت از حق امام (علیه السلام) بود ولی درواقع غالباً با هدف کسب قدرت روی می‌داد. امام (علیه السلام) در برابر سران این قیام‌ها ایستادگی و آن‌ها را از برپایی قیام در آن برهه زمانی نهی می‌کردند. دلیل این مخالفت گاهی ناصالح بودن سران آن قیام‌ها بود، گاهی جریان حاکم بر روند حرکت قیام مورد تأیید امام (علیه السلام) نبود و گاه هر دو دلیل توأمان موجبات مخالفت امام را فراهم می‌آورد. مخالفت امام (علیه السلام) با قیام‌های ابوالسرایا، محمد دیباج و زیدبن موسی نیز بر اساس دلایل فوق تحلیل می‌شود. به‌عنوان نمونه، می‌توان به منازعه‌ای که میان محمد دیباج و عباسیان روی داد، اشاره کرد. در این تنازع، فرمانده سپاه عباسی از امام درخواست وساطت کرد. امام نیز از دیباج خواستند که قیام را به تعویق بیندازد و به نبرد خاتمه دهد؛ اما محمد دیباج وساطت امام را رد کرد و با لشکر عباسی وارد جنگ شد و پس از نبردی سنگین شکست خورد و دستگیر شد (قمی، ۱۳۸۰: ۳۳۰).

در سیاست اقتضائی حضرت در دوران مأمون، به‌کارگیری قدرت نرم در برابر قدرت سخت منازعه‌محور، واجد اولویتی اساسی بود تا آنجاکه امام (علیه السلام) در بالاترین سطح

منازعه با دستگاه مأمون بدون استفاده از قدرت سخت، چنان ضربات مهلکی بر پیکره طاغوت وارد کردند که ناتوانی حکومت در برابر آن موجب شد مأمون قصد جان امام (علیه السلام) را بکند و ایشان را به شهادت برساند، که این خود نشانگر موفقیت سیاست‌های قدرت نرم‌محور حضرت در طول مدت این منازعه است.

۲-۴-۴-۳. تبیین جایگاه خود ضمن رفع بحران‌های اجتماعی

مدیریت بحران‌های اجتماعی یکی از گذرگاه‌های راهبردی است که عیار مدیران حکومتی را برای همگان و ویژگیان مشخص می‌کند. در عصر زندگانی حضرت رضا (علیه السلام) نیز این بحران‌های اجتماعی و حکومتی به عنصری جهت نمایان‌سازی حقانیت امام (علیه السلام) در برابر مأمون عباسی تبدیل شده بود. این مسئله به‌ویژه خود را در زمان‌هایی بیشتر نشان می‌داد که مأمون در جهت حل بحران‌ها از حضرت رضا (علیه السلام) استمداد می‌طلبید و کلید حل مشکلات را در دستن مبارک امام (علیه السلام) جستجو می‌کرد. ماجرای نماز باران و غائله طرفداران فضل‌بن‌سهل از بارزترین بحران‌هایی بود که در این عرصه می‌توان به آن‌ها اشاره کرد.

الف) ماجرای نماز باران

از آن هنگام که مأمون، امام (علیه السلام) را به اجبار به منصب ولایت‌عهدی برگزید، نزول باران متوقف شد و خشکسالی گریبان حکومت مأمون را گرفت. این معضل رفته‌رفته به بحران اجتماعی تبدیل گردید. از این‌رو، مأمون از امام (علیه السلام) خواست که از پروردگار طلب باران کنند. امام (علیه السلام) هم در روز دوشنبه به صحرا رفتند و درحالی که مردم ایشان را همراهی می‌کردند، دست به دعا برداشتند و فرمودند: «ای پروردگار من! تو عظیم‌القدر داد‌های حق ما اهل بیت را و مردم به ما متوسل شدند، چنان که تو امر فرمودی... پس سیراب کن ایشان را بارانی نافع که عموم داشته باشد؛ یعنی در همه‌امکنه نازل شود بدون درنگ، یعنی به کمال استعجال و بدون ضرر باشد و ابتدای باران بعد از مراجعت کردن ایشان باشد از محلی که حاضرند به منزل‌ها

و مقرهای خود». راوی می‌گوید: «به یک‌مرتبه بادهای مختلف وزیدن گرفت و رعدوبرق جستن کرد و مردم به یکدیگر آمدند؛ گویا می‌خواستند از باران فرار کنند... پس آن جناب از منبر فرود آمد و مردم مراجعت کردند. پس آن ابر باران خود را نگه داشت تا اینکه مردم نزدیک شدند به خانه‌های خود. پس از آن، باران به‌سختی آمد که رودها و حوض‌ها و گودال‌ها و صحراها پر از آب شدند. پس از آن مردم گفتند: گوارا باد برای فرزند رسول خدا ﷺ کرامت‌های خداوند» (ابن بابویه، ۱۳۹۲: ج ۲: ۳۸۱). این بارش باران و استجاب دعای امام (علیه السلام) به همگان نشان داد که ایشان خلیفهٔ پروردگار در زمین‌اند و شایستهٔ تصدی امر خطیر حکومت. بدین‌سان، امام (علیه السلام) از طریق بهره‌گیری از نفوذ معنوی و قدرت نرم خویش، جایگاه خود را در اذهان عمومی ارتقا داد و از طریق مدیریت بحران خشک‌سالی، حقانیت خویش را در امر امامت و حکومت برای بار دیگر نشان داد.

ب) غائله طرفداران فضل بن سهل

چون مأمون قصد عزیمت به‌سوی بغداد کرد، تصمیم گرفت رقبای حکومتی خود را که به‌زعم او حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و فضل بن سهل (نخست‌وزیر و مشاور ارشد او) بودند، از صحنه خارج کند و به‌قتل برساند. پس برنامهٔ سوء‌قصد به آن دو را در حمام سرخس طراحی کرد و توانست فضل بن سهل را بدین طریق از سر راه بردارد و مقتول سازد. پس از انتشار این خبر، «سران سپاه، لشکریان و کسانی که از مردان فضل بن سهل بودند، بر در خانهٔ مأمون اجتماع و مأمون را قاتل او معرفی کردند و قصد قصاص وی را کردند. مأمون که از مدیریت اوضاع عاجز ماند، از حضرت خواست که بروند و آن‌ها را پراکنده سازند. حضرت رضا (علیه السلام) به آن‌ها نظر کرد که اجتماع کرده و آتش روشن کرده‌اند که در خانه را بسوزانند. پس آن جناب صیحه به ایشان زدند و به دست مبارک اشاره کردند که ایشان متفرق شوند. همه پراکنده شدند. یاسر (غلام حضرت) گوید: به‌خدا قسم، مردم چنان روی به فرار نهادند که بعضی از ایشان روی دیگر می‌ریختند و اشاره نکرد مگر به‌سوی احدی مگر آنکه

دویدن گرفت و بگذشت و احدی توقف نکرد» (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۶۹). این چنین امام علیه السلام با مدیریت غائله طرفداران فضل بن سهل و نجات جان مأمون عباسی، این نکته را به همگان گوشزد کردند که اگرچه ظواهر حکومتی در دستان مأمون عباسی است، اما در مواقف خطر، این جایگاه امامت و ولایت است که راهگشاست و کلید گشایش گرفتاری‌های اجتماعی و حکومتی است؛ کلیدی که جنسش از نفوذ معنوی و قدرت نرم رهبر جبهه حق بوده و برنده‌تر از تیزی تیغ نام‌آوران و جنگاوران است.

۳-۴-۴-۳. بهره‌گیری از فرصت اجتماعات گسترده

با توجه به نبود امکانات و پیشرفت فتاوری ارتباطی در عصر امام رضا علیه السلام، اجتماعات گسترده فرصت مناسبی را برای انتقال پیام و مفاهیم به مخاطبان دعوت امامت فراهم می‌کرد. بدین خاطر، امام علیه السلام با اقوال و رفتار خود همواره کلیدی‌ترین و بنیادی‌ترین پیام‌ها را از طریق این اجتماعات گسترده منتقل می‌ساختند که ثمره‌اش بیشینه‌سازی قدرت نرم اعمالی حضرت در عرصه اجتماعی بود و به تربیت روح فرد و اجتماع می‌انجامید. سخنرانی ایشان در جمع مردم نیشابور و ماجرای نماز عید، یادگار ماندگار توجه امام علیه السلام به بهره‌گیری از فرصت اجتماعات گسترده در راستای انتقال پیام است.

الف) ماجرای نماز عید

از صدر اسلام برپایی نمازهای عیدین از مهم‌ترین مراسم دینی در سطح اجتماعی است که امری حکومتی محسوب می‌شود و تجلی‌گاه قدرت حکومت و حاکم اسلامی است. مأمون عباسی نیز درصدد استفاده از ظرفیت نماز عید برای سهیم نشان دادن امام علیه السلام در امور والای حکومتی بود و بدین خاطر از ایشان خواست تا اقامه نماز عید را برعهده گیرند. در ابتدا حضرت ممانعت ورزیدند و وقتی با اصرار مأمون مواجه شدند، مشروط بر اینکه برای نماز عید به شیوه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام خارج

شوند، درخواست وی را پذیرفتند و درحالی که سران لشکر و مردم بر در خانه ایشان اجتماع کرده بودند، با پای برهنه و جامه‌های بالازده از خانه بیرون آمدند و صدای خود را به تکبیر بلند کردند. در این حال، شهر مرو غرق در گریه و صیحه مردم و سران لشکر شده بود و «حضرت چنان تکبیر می‌گفتند که مردم خیال می‌کردند آسمان و زمین و در و دیوار با ایشان همراهی می‌کنند. چون این خبر به گوش مأمون رسید او از ترس شورش مردم و گرویدن به حضرت رضا (علیه السلام) کسی را نزد آن جناب فرستاد» و از ایشان خواست که از اقامه نماز صرف‌نظر کنند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۹۰-۱۸۹) و بازگردند تا خود [مأمون] امامت مردم را برعهده گیرد. بدین ترتیب، عمق نفوذ معنوی امام (علیه السلام) در قلوب مردم و برخی مسئولان و سران حکومتی آشکار گشت و ماجرای نماز عید، سنجه‌ای شد تا برتری قدرت نرم رضوی بر قدرت سخت عباسی مبرهن گردد. در حقیقت، ماجرای نماز عید نشان داد پایه‌های حکومت مأمون در قبال قدرت نرم امام (علیه السلام) تا آن میزان سست است که مسئله‌ای مانند نماز عید می‌تواند به تهدیدی جدی برای تشکیلات دولتی تبدیل شود که در آن دوران یکی از بزرگ‌ترین حکومت‌های روی زمین بود.

ب) سخنرانی امام در نیشابور

یکی از آوردگاه‌های تعارض ایدئولوژیک میان امام (علیه السلام) و مأمون، سخنرانی ایشان در جمع مردم نیشابور است که در آن فرمودند: «کلمه لا اله الا الله دژ استوار من است، هر کس به این دژ درآید از عذاب من ایمن خواهد بود.» پس هنگامی که مرکب حضرت حرکت کرد، با صدای بلند فرمودند: با شروط آن و من خود یکی از شروط آن هستم (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۳۵). این حدیث که به حدیث «سلسله‌الذهب» مشهور است، ارتباط ناگسستنی توحید و امامت را اشعار می‌دارد. در این حدیث، حضرت شرط داخل شدن در دژ مستحکم الهی را اعتقاد به مقام امامت برمی‌شمارد و از این طریق به صورت تلویحی ضمن ارائه دوگانه‌ای سلبی و ایجابی، خلفای عباسی را غاصب جایگاهی معرفی می‌کنند که مختص به دارندگان مقام امامت است. این مخاصمه

منطق محور که در چارچوب منظومه قدرت نرم اعمالی حضرت تحلیل می‌شود، به‌عنوان پیش‌درآمدی بر رقابت بنیادینی است که با رسیدن امام (علیه السلام) به شهر مرو و قبول اجباری منصب ولایتعهدی، تشدید می‌شود؛ پیش‌درآمدی که خود نمایانگر مقبولیت و قدرت نرم حداکثری امام (علیه السلام) در میان مردم نیشابور و دیگر شهرهای شیعه‌نشین و حقیقت‌طلب بین راه مدینه تا مرو است.

۴-۴-۳. تشویق شاعران دینی - سیاسی

زبان شعر به‌خاطر لطافت و ظرافتش، تا عمق جان و ذهن مخاطب نفوذ می‌کند و بدین لحاظ، ظرفیت بیشینه‌سازی قدرت نرم، عامل بهره‌گیری از آن را دارد. «زرین کوب»، نویسنده شهیر ایرانی، در این‌باره می‌نویسد: «شعر دینی به طور عام - و مدایح مذهبی به طور خاص - تأثیری شگرف و قابل اعتنا در روح و جان مخاطبان حقیقی شعر گذارده و وسیله‌ای بوده است برای ترویج اعتقادات و مفاهیم والای انسانی و ایمانی، به‌طوری که اثری که اشعار تعلیمی، دینی، اخلاقی و اجتماعی در اذهان مستعد دارند، نمی‌توان انکار کرد. همین نکته است که سرّ پیدایش این‌گونه اشعار را توجیه کرده و توسعه آن‌ها را ناگزیر می‌ساخته است» (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۱۱۳).

امام رضا (علیه السلام) اهتمام ویژه‌ای نسبت به تکریم شاعرانی داشتند که درباره موضوعات دینی و مسائل سیاسی که در راستای تبیین جایگاه امامت و تضعیف جایگاه حکومت بود، شعر می‌سرودند. یکی از برجسته‌ترین این شعرا، «دعبل خزاعی» بود که با اشعارش ضمن تقویت جایگاه امامت در اذهان عمومی، پایه‌های حکومت مأمون را به لرزه می‌افکند. به‌عنوان نمونه، این شاعر بزرگ شیعه درباره ارادتش به اهل بیت (علیهم السلام) و برائت از دشمنان ایشان، شعری سروده (الخزاعی، ۱۹۸۳: ۲۹۳) که ترجمه آن به‌قرار زیر است:

«آیا نمی‌بینی که از جور روزگار چه آسیب و تفرقه طولانی بر مردم وارد آمده است؟ همچنین از دولت‌های هتاک و کسانی که در تاریکی‌ها از آن‌ها طلب نور می‌کنند، فقط عشق پیامبر ﷺ و خاندان او و دشمنی با مروانیان و امویان، چنین ویژگی ندارد».

حضرت رضا علیه السلام به خاطر شخصیت و اثرگذاری سیاسی - اجتماعی «دعبل خزاعی»، محبت خاصی نسبت به ایشان مبذول می‌داشتند تا آنجاکه آن حضرت، پیراهنی را به «دعبل» هدیه دادند و به او سفارش کردند که: «این پیراهن را خوب نگهداری کن که من با آن، هزار شب و هر شبی هزار رکعت نماز خوانده‌ام و هزار ختم قرآن کرده‌ام» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۲: ۳۱۰).

نتیجه‌گیری

«قدرت نرم» کلیدواژه‌های اساسی در واژگان علوم سیاسی معاصر است که کاربست و مفهوم آن سابقه طولانی دارد و در سیره معصومان و بزرگان دین مبین اسلام، به کرات نمونه‌های توجه و کاربست آن مشاهده می‌شود. در این میان، سیره فردی و حکومتی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام مشحون از مواردی است که عنایت ویژه ایشان به این مفهوم سرنوشت‌ساز را چه در دوران پیش از ولایتعهدی و چه پس از آن، نشان می‌دهد. نگاشته حاضر تلاشی در راستای تبیین اصول، ابزارها و نمونه‌های کاربست قدرت نرم در سیره امام رضا علیه السلام است که کوشید جامعیت این مفهوم در قول و فعل این امام همام علیه السلام را درخور استعداد خود به تصویر بکشد. در واقع، با مطالعه سیره حضرت رضا علیه السلام و احادیث واصله از آن امام همام که در متن بدان پرداخته شده، به این نتیجه می‌رسیم که حضرت رضا علیه السلام در میدان مبارزه قدرت با دستگاه خلافت عباسی، بیشتر از ابزارهایی از جنس قدرت نرم استفاده کرده و برای ضربه‌زدن به ساختار حکومتی مأمون و وجاهت اجتماعی آن، استفاده حداکثری از قدرت نرم را مدنظر قرار داده بودند. عنایت به این مهم در سیره رضوی، در وقایع و تصمیم‌هایی

نظیر مخالفت ایشان با لشکرکشی و استفاده از قدرت سخت علیه حکومت مأمون و توجه به اهمیت مدیریت افکار عمومی، هویداست. مواردی از این دست، نمونه‌هایی گویا برای تشریح منظومه قدرت نرم رضوی را تبیین می‌کند که از مجرای واکاوی آن‌ها می‌توان جایگاه والای بهره‌گیری از قدرت نرم از منظر امام رضا (علیه السلام) بر مبنای شواهد تاریخی را نشان داد - چنان‌که این مقاله بدان‌ها پرداخت - تا از این رهگذر مشخص شود مفهوم قدرت نرم که اندیشمندان غربی داعیه‌دار طرح آن هستند، بیش از هزار سال پیش، از ستون‌های مهم تفکر سیاست‌ورزانه معصومان و اهل بیت پیامبر ﷺ بوده است تا آنجا که نمونه‌های فراوانی از کاربست آن در سیره این بزرگان قابل دسترسی و مشاهده است.



منابع و مآخذ

- منهج البلاغه.
- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی. (۱۳۹۲). *عیون اخبار الرضا*. مترجم: آقا نجفی اصفهانی. قم: انتشارات نبوغ.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی. (۱۴۱۹ق). *الثائب فی المناقب*. به کوشش: علوان، نبیل رضا. قم: انصاریان.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۲). *کشف الغمه فی معرفه الائمه*. ترجمه و شرح زواره ای. تهران: انتشارات اسلامیه.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۷). *قدرت نرم، فرهنگ و امنیت؛ مطالعه موردی بسیج*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- _____ (۱۳۹۱). «مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی». *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. س اول. ش ۲. بهار ۱۳۹۱. صص: ۱-۲۷.
- افتخاری، اصغر؛ کمالی، علی. (۱۳۹۴). «ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی». *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*. س پنجم. ش ۱۲. بهار و تابستان ۱۳۹۴. صص: ۹-۲۸.
- ترتی نژاد، حسن. (۱۳۹۵). *تقیه در اندیشه سیاسی شیعه*. قم: دانشگاه مفید.
- جعفری پناه، مهدی و پورا احمدی، حسین. (۱۳۹۲). «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران». *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*. دوره ۳، ش ۸. صص: ۹۷-۱۱۳.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۷). *تاریخ تشیع در ایران*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- جوشقانی، حسین. (۱۳۸۹). *جنگ نرم از دیدگاه قرآن*. تهران: انتشارات ساقی.
- حاج امینی، یدالله. (۱۳۹۴). «قدرت نرم در سیره پیامبر اعظم». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- حبیبی تبار، حسین و مروّجی طوسی، محمدمحسن. (۱۳۹۲). «توحید و امامت در حدیث سلسله الذهب». *نشریه کلام اسلامی*. ش ۸۵. بهار.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۲ق). *اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات*. بیروت: الاعلمی.
- حکیمی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *الحیاه*. احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خدادادی، حجت. (۱۳۹۱). «قدرت نرم در سیره علوی». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۳). *لغت نامه فارسی*. تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- راوندی، قطب الدین. (۱۴۰۹ق). *الخرائج والجرائح*. قم: مؤسسه الامام المهدی.
- ردادی، محسن. (۱۳۸۹). *منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- رفیعی، علی. (۱۳۷۴). *تاریخ زندگانی امام رضا (علیه السلام)*. تهران: فیض.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۳). *شعری دروغ شعری نقاب*. چاپ چهارم. تهران: جاوید.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. مشهد: مرتضی.
- عاملی، جعفر مرتضی. (۱۳۶۵). *زندگانی سیاسی امام رضا*. ترجمه دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. قم: کنگره جهانی حضرت رضا (علیه السلام).
- عمید، حسن. (۱۳۵۹). *فرهنگ عمید*. تهران: امیرکبیر.
- فدوی، احمد؛ کدخدایی، عباسعلی و داوریار، محمدعلی. (۱۳۹۶). «تحلیل فقهی قدرت نرم نهاد مرجعیت شیعی با تأکید بر شئون

- دوگانه فتوا و حکم». دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم. دوره ۷. ش ۱۶. صص: ۱۳۱-۱۰۶.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۸۰). *تممه المنتهی در تاریخ خلفا و علما*. تحقیق صادق حسن زاده. قم: اعتماد.
- کارخانه، علی. (۱۳۹۲). *سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام) و تحلیلی مسئله ولایتعهدی*. قم: بوستان کتاب.
- کرباسی، وحید. (۱۳۹۱). «قدرت نرم از نگاه قرآن کریم». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- کریمی، محمود؛ کاظمی، ابوالفضل و دیمه کار، محسن. (۱۳۹۲). «واکاوی اصول و گونه‌های اعجاز در سیره امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. س اول. ش ۱. بهار ۱۳۹۲. صص: ۸۷-۱۳۳.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۸ق). *الاصول من الکافی*. مصحح و تعلیق: علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*. بیروت: موسسه الوفاء.
- _____ . (بی تا). *بحار الانوار*. تهران: اسلامیه.
- مصطفوی، جواد. (۱۳۶۴). «روش پیشوایان دین در تبلیغ اسلام». *مشکوه*. ش ۸. تابستان ۱۳۶۴. صص: ۹-۲۸.
- مطهری، حمیدرضا. (۱۳۷۸). *زندگه در سده‌های نخستین اسلامی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- Nye, Joseph (2005). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs.

